



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوری مفیدی

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه
موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام- اصحاب اجماع
سال: سوم

تاریخ: ۱۹ آذر ۱۳۹۱
مصادف با: ۲۴ محرم الحرام ۱۴۳۴
جلسه: ۱۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مفاد عبارت اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم بود، عرض کردیم در این عبارت احتمالاتی وجود دارد، بنا بر یک احتمال که مختار محدث نوری بود مفاد این عبارت این است که این جماعت که ۱۸ نفرند هم خودشان ثقه‌اند و هم کسانی که به عنوان مشایخ آنها محسوب می‌شوند، چه با واسطه و چه بی واسطه لذا این عبارت دلالت بر توثیق این جماعت و اشخاص بعد از آنها تا امام معصوم (ع) می‌کند، دلیل اول بر این مدعا در جلسه گذشته ذکر و مورد بررسی قرار گرفت که محصل این دلیل این بود که احراز صحت احادیث از طریق قرائن خارجی عادتاً محال است پس تنها راه این است که ما صحت احادیث را مستند به قرائن داخلی بدانیم؛ یعنی وثاقت این گروه و کسانی که این گروه از آنها روایت نقل کرده‌اند، به این دلیل چند اشکال وارد شد و نتیجه این شد که این دلیل وافی به مقصود نیست.

دلیل دوم:

دلیل دوم بر اینکه اصحاب اجماع و مشایخ آنها ثقه‌اند استناد به عبارتی از مرحوم شیخ طوسی در عدة الاصول است، شیخ طوسی می‌گوید: اگر دو راوی، یکی به نحو مسند و دیگری به نحو مرسل روایتی را نقل کنند باید به حال راوی روایت مرسله نظر شود، اگر راوی از کسانی باشد که لایرسل الا عن ثقة در این صورت هیچ یک از خبر مسند و مرسل بر دیگری ترجیح ندارد که لازمه این عبارت این است که اگر راوی روایت مرسل از کسانی نباشد که لایرسل الا عن ثقة در این صورت مسند بر مرسل ترجیح دارد، شیخ در ادامه می‌فرماید: «و لأجل ذلك سوت الطائفة بین ما یرویه محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر و غیرهم من الثقات الذین عرفوا بأنهم لایروون و لایرسلون الا ممن یوثق به و بین ما أسنده غیرهم»^۱ می‌گوید: به همین جهت اصحاب بین آنچه که محمد بن ابی عمیر و صفوان بین یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر و غیر آنها از کسانی که ثقه‌اند و بین آنچه که دیگران به عنوان مسند نقل کرده‌اند فرقی نمی‌گذارند لذا به مرسله این جماعت هم عمل می‌کنند. حاجی نوری بعد از نقل این عبارت می‌فرماید^۲: کسی که اهل انصاف و دقت در این عبارت باشد شک ندارد که منظور از «الثقات الذین عرفوا بأنهم لایروون و لایرسلون الا ممن یوثق به» اصحاب اجماع می‌باشند؛ چون در بین همه ثقات هیچ گروهی معروف به این صفت که لایروون و لایرسلون الا

۱. عدة الاصول، ص ۳۸۶.
۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۵۸.

عن ثقة، غیر از اصحاب اجماع نیستند، حاجی نوری می‌گوید شیخ طوسی در این عبارت تصریح می‌کند که در بین روایت، گروهی هستند که به این فضیلت شهرت دارند و غیر از اصحاب اجماع هیچ کس با آنها در این جهت مشترک نیست لذا می‌گوید: اگر کسی بگوید شیخ طوسی ادعای اجماع دارد بر اینکه فقط سه نفر مذکور در عبارت ایشان این خصوصیت را دارند اشتباه کرده؛ چون شیخ طوسی این سه نفر را به عنوان مثال ذکر کرده است. پس از عبارت شیخ طوسی در عده هم معلوم می‌شود که اصحاب اجماع، خصوصیتشان این است که لایروون و لایرسلون الا عن ثقة؛ یعنی خودشان ثقه‌اند و روایت بعد از ایشان تا امام معصوم (ع) هم ثقه‌اند و خود این عبارت دلالت می‌کند بر اینکه منظور از اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، اجمعت الاصحاب علی انهم لایروون و لایرسلون الا عن ثقة می‌باشد و این همان مطلوب ماست.^۱

بررسی دلیل دوم:

به نظر می‌رسد ما در درجه اول باید به خود این عبارت توجه کنیم، فهم دیگران از عبارت می‌تواند مؤید باشد اما به عنوان دلیل نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. عبارت شیخ طوسی گرچه مشعر به این معنی است که طائفه بین مسندات دیگران و مرسلات اصحاب اجماع فرق نمی‌گذارند و شاید حتی بالاتر از اشعار هم باشد اما مسئله این است که ما در واقع داریم عبارت کسانی را که این جمله را تأسیس کرده‌اند و معروف و مشهور شده بررسی می‌کنیم و می‌خواهیم ببینیم مراد از ما یصح عنهم چیست؟ در عبارت کشی عبارت به این نحو آمده که: اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم و تعبیر اجمعت العصابة علی انهم لایروون و لایرسلون الا عن ثقة نیامده است، بنابراین بر فرض که عبارت شیخ طوسی دلالت بر مدعا داشته باشد ولی ما نمی‌توانیم بگوییم این همان مطلبی است که کشی گفته است. بنابراین دلیل دوم مرحوم حاجی نوری هم دلیل محکمی نیست.

نتیجه بحث:

حال باید ببینیم از بین احتمالات چهارگانه درباره عبارت اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، کدام یک حق است؟

احتمال اول این بود که منظور از ما یصح عنهم حکایات و روایات اصحاب اجماع است؛ یعنی منظور این است که آن جماعت را در روایات و حکایاتشان تصدیق کنیم و بگوییم این افراد باید در آنچه حکایت می‌کنند تصدیق شوند؛ یعنی بگوییم انهم صادقون فی حکایاتهم که در این صورت به دلالت مطابقی تصدیق اصحاب اجماع و به دلالت التزامی وثاقت این جماعت ثابت می‌شود.

احتمال دوم این بود که منظور از ما یصح عنهم تصدیق خود مرویات و نفس حدیث است که از معصوم (ع) صادر شده لکن تصدیق خود مروی ممکن است مستند به قرائن داخلی و خارجی باشد که اگر این باشد باز توثیق افراد بعد از این جماعت ثابت نمی‌شود.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۷۵۸.

احتمال سوم هم برگشت به معنای اول می‌کرد.

احتمال چهارم هم که مختار حاجی نوری بود این بود که این عبارت دلالت می‌کند بر اینکه صحت احادیث فقط مستند به وثاقت خود جماعت و کسانی است که بعد از آنها تا امام معصوم (ع) وجود دارند؛ یعنی منظور از اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم در واقع اجمعت العصابة علی أنهم ثقة و لایروون و لایرسلون الا عن ثقة می‌باشد.

نظر مختار:

ما باشیم و عبارت اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم بدون لحاظ فهم دیگران، متبادر و متفاهم از این عبارت این است که اصحاب اجماع در حکایات و روایاتشان باید مورد تصدیق قرار گیرند. با توجه به اینکه ما باید راوی را در آنچه که می‌گوید، تصدیق کنیم وقتی به سلسله سند روایات رجوع می‌کنیم گاهی دیده می‌شود که عباراتی مثل أخبرنی فلان یا حدّثنی فلان در سند روایات آمده که این عبارات ظهور در این دارد که راوی باید در حکایت کردن و روایت کردنش تصدیق شود پس متبادر از تعبیراتی مثل أخبرنی، ما أخبره هذا الشخص می‌باشد که اخبار بی‌واسطه آنها می‌باشد. خود کشی در مورد سه طبقه از بزرگان این عبارت را بکار برده؛ در مورد طبقه اول می‌گوید: اجمعت العصابة علی تصدیقهم که لازمه تصدیق، وثاقت است که منظور این است که راوی را در روایت و حکایتش تصدیق کن و این عبارت دلالت نمی‌کند بر اینکه مضمون آن چیزی را هم که راوی می‌گوید مورد تصدیق قرار بگیرد، بلکه اگر تصدیق آن جماعت، هم نسبت به اخبار بی‌واسطه و هم اخبار باواسطه بود؛ یعنی این عبارت بر تصدیق جماعت حتی در اخبار باواسطه هم دلالت می‌کرد در این صورت می‌توانستیم بگوییم به دلالت التزامی وثاقت همه این اشخاص اعم از خودشان و کسانی که بعد از آنها هستند تا امام معصوم (ع) ثابت می‌شود اما وقتی می‌گوید أخبرنی أو حدّثنی منظور این است که اجمعت العصابة علی انه صادق فی حکایتها و اعتقاده لذا نتیجه این است که منظور از اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم این است که اصحاب، اجماع دارند بر اینکه این جماعت در آنچه که نقل می‌کنند مورد تصدیق قرار می‌گیرند و منظور تصدیق نسبت به حکایت کردن و روایت کردنشان است نه تصدیق نسبت به متن روایات و نفس احادیث تا نتیجه گرفته شود آنچه این جماعت نقل می‌کنند از معصوم (ع) صادر شده؛ به خاطر وثاقت افرادی است که در سند روایت وجود دارند. این احتمال، مختار فیض کاشانی بود و بزرگان دیگری از جمله امام (ره)^۱ هم از این عبارت جز این برداشت نکرده‌اند لذا اینکه گفته شود منظور از عبارت اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم، لایروون و لایرسلون الا عن ثقة، می‌باشد صحیح نیست.

نتیجه اینکه ما باید مشایخ این جماعت و کسانی که بعد از آنها تا امام معصوم (ع) در سلسله سند روایات قرار دارند را از حیث وثاقت و عدم وثاقت مورد بررسی قرار دهیم.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.